

میراث‌های مشترک و پیوندهای پارینه

اشاره:

دکتر حسن انوشه دانشمند، محقق و مترجم ایرانی چهره مطرح و تاثیرگذار در جامعه علمی و فرهنگی امروز ایران است. وی علاوه بر تالیف و ترجمه آثار تاریخی و مهم در تالیف دایرة المعارف بزرگ اسلامی و دایرة المعارف تشیع نیز نقش فعالی گرفته است. اما چهره برجسته و ماندگار انوشه با دانشنامه ادب فارسی تعریف می‌گردد که اکنون سه جلد از این گنجینه عظیم را به خانواده بزرگ فرهنگ و ادبیات فارسی تحویل داده است.

دکتر انوشه، با چاپ و تدوین «دانشنامه ادب فارسی در افغانستان» جایگاه عمیقی در قلوب مردم و اهالی فرهنگ و ادب افغانستان پیدا کرده است. این کار بزرگ و فراموش‌نشدنی، بهترین هدیه به تاریخ و فرهنگ مردم افغانستان است، تاریخ و فرهنگی که پاره‌جدا ناپذیر از فرهنگ مشترک ایرانی است.

گفتگوی ذیل، به انگیزه انتشار جلد سوم دانشنامه که اختصاص به فرهنگ و ادب فارسی در افغانستان دارد، در روزنامه همشهری به تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۷۸ چاپ شده است. به دلیل اهمیت موضوع و نیز آگاهی جامعه فرهنگی افغانستان از چاپ دانشنامه و ارجگذاری زحمات دکتر انوشه اقدام به چاپ آن نمودیم.

سراج ضمن قدردانی از این کار سترگ و تشکر و سپاسمندی از زحمات دکتر انوشه و سایر همکاران و یاوران‌شان در مؤسسه دانشنامه ادب فارسی، امیدوار است این کار الگویی گردد برای مسئولین و مراکز ایرانی مرتبط با قضیه افغانستان که خدمت به جامعه افغانستان را، خدمت فرهنگی و ماندگار بدانند.

سراج

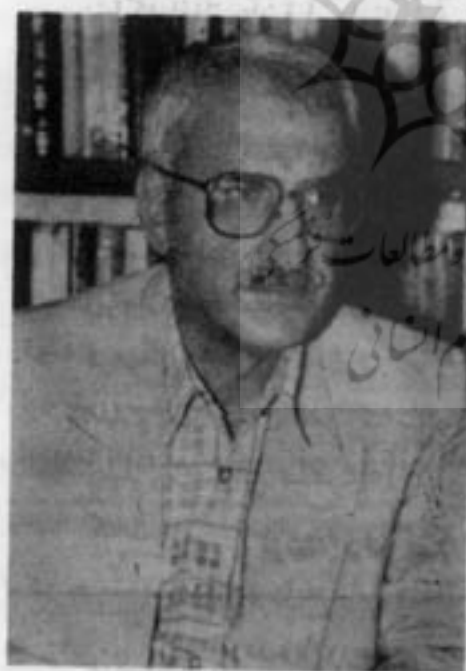
«دانشنامه ادب فارسی در افغانستان»

گفت و گو با دکتر حسن انوشه به انگیزه انتشار

روزنامه همشهری:

در میان فرهنگها و دایرةالمعارفهای گوناگونی که در چند سال اخیر به همت گروهی از دانشوران و اهل فرهنگ و قلم و همراهی بعضی از موسسه‌های فرهنگی منتشر شده است، دانشنامه ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. این دانشنامه که تا کنون دو جلد از آن به چاپ رسیده و جلد سوم آن در همین روزها روانه بازار نشر شده است، برخلاف تدوین چنین دانشنامه‌هایی، در هر جلد به یک موضوع یا حیطه خاص می‌پردازد و این موضوع دست محققان و پژوهشگران و علاقه‌مندان کتاب را باز می‌گذارد تا درباره هر موضوعی که خواستند تحقیق کنند، با مراجعه به همان مجلد تمامی اطلاعات مورد نیاز را بیابند و از مراجعه یا خرید تمامی مجلدات بی‌نیاز بمانند. متن زیر حاصل گفت و گویی کوتاه با حسن انوشه، رئیس دانشنامه ادب فارسی است که به مناسبت چاپ سومین مجلد این اثر شاخص که به ادبیات و فرهنگ در افغانستان اختصاص دارد، انجام شده است.

ابتدا از شروع به کار دانشنامه و چگونگی توسعه و پیشرفت آن بگویید؟



دانشنامه ادب فارسی از شهریور ۱۳۷۲ به پیشنهاد آقای احمد مسجد جامعی، قائم مقام محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که به راستی از خدمتگزاران و دوستداران پرتلاش فرهنگ ایرانی و اسلامی است، کارش را آغاز کرد و تا کنون توانسته سه مجلد از نتایج فعالیت خود را به نام‌های «ادب فارسی در آمپای میانه» در هزار صفحه، «فرهنگنامه ادبی فارسی» در هزار و پانصد و سی و پنج صفحه و «ادب فارسی در افغانستان» در هزار و صد و هفتاد و شش صفحه به چاپ رسانیده و منتشر کند. دو کتاب نخست به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ انتشار یافته است، اما چاپ مجلد سوم نیز به تازگی روانه بازار شده است.

آقای انوشه، اصولاً یک دانشنامه چه کارکردی دارد و اهل تحقیق یا علاقه‌مندان را به چه کار می‌آید؟
دانشنامه ادب فارسی از گونه دایرةالمعارف‌های تخصصی و موضوع آن صرفاً

ادبیات فارسی است. در این دانشنامه همه چیزهایی که به اصطلاح ربط ادبی دارند و به طریقی به ادب فارسی مربوط می‌شوند، به شیوه دایرةالمعارفی که دادن بیشترین آگاهی در کوتاهترین مطالب است، به خواننده معرفی می‌شوند و شرحی اجمالی، اما در عین حال، پرفایده درباره آن‌ها داده می‌شود. وظیفه دایرةالمعارف‌ها، از تخصصی و عمومی، به دست دادن سررشته‌ای از هر موضوع طرح شده به خوانندگان است و به دست آوردن آگاهی بیشتر موقوف به مراجعه به کتب‌های تخصصی درباره هریک از موضوعات است که در دایرةالمعارف برای آن‌ها مدخلی گشوده شده است. مثلاً با خواندن مقاله حافظ در دانشنامه نمی‌توان حافظ‌شناس شد، بلکه تنها می‌توان اطلاعات کلیدی درباره وی به دست آورد و برای شناخت حافظ باید به دیوان او و کتاب‌هایی که در شرح غزل‌هایش و یا تاریخ روزگار او نوشته شده مراجعه کرد.

چرا آخرین مجلد دانشنامه را به ویژه ادب افغانستان اختصاص داده‌اید؟

افغانستان کشوری است که سابقه ادب فارسی در آن جای بسا بیش از ایران کنونی است. برخی از نخستین گویندگان فارسی از سرزمین‌هایی برخاسته بودند که امروز در خاک افغانستان قرار دارند. نخستین شاهنامه‌ها را در بلخ و هرات نوشتند و دربار غزنه که معروف است، چهارصد شاعر در آنجا انجمن می‌کردند، با برگزیدن امیرالشعرا یا ملک‌الشعرا، سنتی را پایه گذاشت که بیش از هزار سال دوام آورد. درست است که امروزه ما ایرانیان و مردم افغانستان در دو واحد سیاسی جداگانه زندگی می‌کنیم، اما در هیچ کجای دنیا نمی‌توان دو ملتی را پیدا کرد که دارای این همه علایق استوار باشند. ایرانیان و افغانها تمدن و فرهنگ مشترک چند هزار ساله دارند و هر دو ملت از آبخور فرهنگی، زبانی و دینی یکسانی آب می‌خورند. این مرزهای سیاسی هم که در کمابیش صد و پنجاه سال اخیر پیدا شده نتوانسته باعث جدایی فرهنگی میان دو ملت شود. دیوان خلیلی یا صوفی عشق‌ری را در ایران چاپ می‌کنند و در کابل و مزار و هرات و فیض آباد کتاب‌هایی به چاپ می‌رسد که در ایران نیز خوانندگانی دارد. زبان فارسی یا دری ریشه‌دارترین و رایج‌ترین و در عین حال دارای غنی‌ترین ادبیات در افغانستان است. اگرچه از دو زبان رسمی در افغانستان، یکی زبان پشتو است، اما در افغانستان کم‌تر شاعر یا نویسنده پشتو زبان را می‌توان یافت که به فارسی نیز شعر نگفته یا اثری به فارسی نوشته، کتابی را از فارسی به پشتو ترجمه نکرده یا دست کم در آثاری که به پشتو نوشته متأثر از زبان و ادب فارسی نبوده باشد. بزرگانی چون خوشحال‌خان ختک، مهردل خان مشرقی، عبدالرئوف بینوا، غلام‌جیلانی جلالی و صدها تن دیگر که از مفاخر ادب

پشتو به شمار می آیند در شعر و نثر فارسی نیز آوازه ای بلند دارند و ای بسا که اهمیت و آوازه آن‌ها در ادب فارسی پیش از ادب پشتو است. بنابراین پژوهش درباره ادب فارسی یا دری در افغانستان جدا از پژوهش در ادب فارسی در ایران نیست و آنچه در افغانستان به نام زبان و ادب دری خوانده می شود، بخشی از میراث فرهنگی ما ایرانیان نیز به شمار می رود.

آیا پیش از این در این حوزه با چنین وسعت و دامنه ای آثاری به چاپ رسیده است؟

در ایران درباره افغانستان هنوز کار چندانی نشده است و با کارهایی که در این باره در پاکستان انجام گرفته قابل قیاس نیست. در پاکستان چندین بنیاد و موسسه به تحقیق درباره افغانستان می پردازند و توانسته شمار زیادی از افغانستانی ها را نیز به خدمت گیرند. در این بیست سالی که افغانستان درگیر جنگ خانگی است هزاران تن از روشنفکران و اهل قلم افغانستان به پاکستان کوچیدند و در شهرهایی چون پشاور، کوئته و اسلام آباد کارهای علمی و ادبی خود را از سر گرفتند. کسانی چون استاد خلیل الله خلیلی با این که تنها به فارسی شعر می گفت و در ایران دوستان و دوستانداران زیادی داشت به جای آمدن به ایران به پشاور کوچید و فعالیت های فرهنگی خود را در آن جا پی گرفت. البته افغانی ها در ایران نیز نشریاتی دارند و کمایش کتاب هایی نیز منتشر می کنند. اما با توجه به این که زبان فرهنگی مردم افغانستان زبان فارسی یا دری است، شایسته است که در این حوزه فعالیت بیشتری انجام گیرد و زمینه ای فراهم شود که شاعران، نویسندگان و پژوهندگان افغانستانی بتوانند آثارشان را در ایران منتشر کنند و دستشان برای فعالیت های فرهنگی بازتر باشد.

رتال جامع علوم انسانی
در تألیف این دانشنامه، آیا از پژوهشگران ادبیات افغانی هم مدد گرفتید؟

در تألیف مقالات دانشنامه ادب فارسی چند تن از پژوهشگران افغانستانی نیز با ما همکاری داشتند و ما از همکاری برخی از آن‌ها، مانند محمداکبر عشیق، محمدجواد خاوری و حمزه واعظی فراوان بهره بردیم. آقای عشیق که در مشهد اقامت دارند کتاب های فراوانی از جاهای گوناگون تهیه کردند و برای استفاده در اختیار دانشنامه گذاشتند.

و سخن آخر...؟

افغانستان بیش از بیست سال است که گرفتار جنگ خانگی است. در این مدت

هزاران تن از اهل فرهنگ این کشور ناگزیر شدند میهن خود را ترک گویند و از کشورهای همسایه تا دوردست‌های جهان پراکنده شوند. یکی کتابش را در مشهد یا تهران و قم منتشر می‌کند و دیگری در پیشاور؛ شاعری دفتر شعرش را در دهلی به دست چاپ می‌سپارد و آن دیگر در «کلن آلمان» یا «ونکوور کانادا». گرچه دانشنامه تمامی کوشش خود را به کار بسته تا بتواند آگاهی‌هایی درباره همه این‌ها به دست بیاورد، اما این کوشش‌ها همه جام‌آور نبوده است و امیدواریم هنگامی که از چاپ کتاب خبر یافتند یا به دست آن‌ها رسید، بیشتر به یاری ما بیایند و در بهتر کردن محتوای آن ما را یاری دهند. البته هیچ دایرة‌المعارفی نمی‌تواند در همان چاپ اول کامل و برکنار از کاستی‌ها باشد و چاپ‌های متعدد از این‌گونه آثار است که رفته‌رفته از نواقص آن می‌کاهد و بر فایده آن می‌افزاید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی